با توجه به استفاده فراوان از آیات قرآن و اسماء مقدسه، رعایت احکام شرعی یادآوری می‌شود.

از امام موسی کاظم (ع) نقل شده است: رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمَ يَدْعُوالنّاسَ إِلَى الحَقِّ، يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبَرِ الحَديدِ = مردی از قم، مردم را به حق فرا می‌خواند و گروهی چون پاره‌های آهن [استوار]، پیرامون او گرد می‌آیند. بحارالأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶

واکنش دکتر حمید انصاری به ادعای مضحک «شبکه دشمنان حقوق‌بشر = بی بی سی»

بخش دوم «پاسخ به تازه‌ترین تزویر روباه پیر»

ادامه از صفحه ۶:

«باید توجه داشته باشید که امروز یک خطر بزرگی جلوی پای ماست، که من از این خطر بیشتر می‌ترسم تا از خطر اینکه بیایند و بریزند و بکشند و ما را از بین ببرند. و آن خطر این است که نبادا ما پاهایمان را انحرافی برداریم؛ قدمهای انحرافی برداریم و مکتبمان را بدمنعکس کنیم، اسلام را بد معرفی کنیم.

... یکوقت در دنیا منعکس می‌شود که اسلام هم همین است. من خوف این را دارم امروز.

و خدایا، به فریاد اسلام برس! امروز [مبادا] که مکتب ما منحرف جلوه داده بشود: یا از اعمال من و شما؛ یا از اعمال کمیته‌ها؛ یا از اعمال دادگاهها؛ یا از اعمال ادارات و وزارتخانه‌ها، ... امروز که ساواکی در کار نیست و همه دفن شده اند، اگر از شما آقایان یک چیزی صادر بشود، می‌گویند جمهوری اسلامی این است. مکتب ما متزلزل می‌شود. مسئولیتتان زیاد است آقایان! خیال نکنید که بروید یک حرفی بزنید، و چیزی نشده. خیر، هر یک از شما مسئولیت دارید، و مسئولیت بزرگ. خیلی بزرگ. امروز مکتب ما بسته به اعمال ماست. مکتب ما بسته به اعمال روحانیین است. ...

آن مکتبی که آمده است، اسلامی که آمده است، و تهذیب می‌خواهد بکند همه قشرها را؛ همه فسادها را از بین ببرد. با اعمال من و شما و با اعمال دادگاهها و با اعمال پاسدارها و با اعمال کمیته‌ها ... اگر خدای نخواسته در اینها یک خلاف واقع بشود، یک کاری واقع بشود که صحیح نباشد، مکتب ما متزلزل می‌شود؛ اسلام لکه دار می‌شود. این اهمیت دارد».

صحیفه امام؛ ج۸ ص ۳۳۵ - ۳۳۸

«اما حالا ما سر دو راهی واقع شدیم. این اهمیت دارد. آن دو راهی این است که چه بکنیم که مکتبمان محفوظ باشد؛ و چه اعمالی مکتب ما را به باد می‌دهد. شما پاسدارهای عزیز محترم، که علاقه مند هستیم ما همه به شما، چه بکنید؟ چه اعمالی از شما صادر بشود که این اعمال در این رژیمی که الآن رژیم اسلام است، الآن جمهوری اسلامی است، مملکت ما رژیمش الآن به رفراندم جمهوری اسلامی شده، اگر ما الآن یک اعمالی به جا بیاوریم، ارتکاب یک کارهائی بکنیم که بر خلاف موازین شرعیه باشد، بر خلاف موازین عدالت باشد، مثلاً فرض کنید که جوانی از ما بر خلاف موازین یک تعدی به غیر بکند، یک جوان که به عنوان پاسبان اسلام است بریزد در خانه یک کسی و یک کار زشتی بکند، امروز این را دیگر پای این شخص حساب نمی‌کنند، می‌گویند پاسدار اسلام هم این طوری است.

... اینهائی که نشسته‌اند و الآن در داخل و خارج چشمها را دوخته‌اند که یک مناقشه‌ای بکنند، یک چیزی از شما، از من، از آقا، ببینند، از روحانیون، از پاسداران، از کمیته‌ها، از دادگاه انقلاب، از حکومت ... از همه اینها، یک چیزی ببینند، یکی را هزار می‌کنند. آن هم پای من و آقا حساب نمی‌کنند؛ پای اسلام حساب می‌کنند. ... اگر در زمان طاغوت از یک معمم یک [خلافی] صادر می‌شد، نمی‌گفتند اسلام؛ می‌گفتند این ساواکی هست؛ به اسلام نسبت نمی‌دادند. الآن اگر از پاسدارهای اسلام، چه شما که پاسدارید و چه ما که پاسداریم، یک مطلبی صادر بشود، این اشخاصی که در صددند که تخطئه کنند مکتب ما را، اسلام را تخطئه کنند، اینها قلمها را بر می‌دارند، اینجا به کنایه و در خارج به صراحت، می‌نویسند؛ و مکتب ما یکوقت در دنیا شکست می‌خورد. شکست مکتب مصیبت بزرگ است. امروز مسئولیت طبقه روحانی، مسئولیت پاسدارهای اسلام، مسئولیت حکومت اسلامی رئیس الوزرای اسلام، نخست وزیر اسلام، مسئولیت امروز مثل سابق نیست. امروز مسئولیت زیاد است. مسئولیت این است که اگر یک کاری ما بکنیم، روحانی خدای نخواسته یک کاری بکند، در کمیته‌ها یک کاری بشود، در دادگاههای انقلابی یک کار خلافی بشود، پاسدارهای انقلاب یک کاری بکنند، مردم یک کاری بکنند، بازار یک بازار غیر اسلامی باشد، آنهائی که برای مناقشه نشسته‌اند و چشمهایشان را دوخته‌اند به ما، آنها برای ما یک کاری می‌کنند که اصل مکتب ما شکست بخورد؛ یعنی تا ابد اسلام دفن بشود. مصیبت این است. و الّا مصیبت کشته شدن که مصیبتی نیست؛ خوب، جوانهای ما کشته شدند، در راه اسلام کشته شدند، شهید شدند، هَنیئاً لَهُم. اما کشته شدن و دفن شدن مکتب اهمیت دارد. این را حفظش کنید».

صحیفه امام؛ ج۸ ص ۳۶۸

«ای برادرهای پاسدار من! ای عزیزان ما! مبادا از شما یک مطلبی صادر بشود که قلمها برداشته بشود و نوشته بشود که اسلام این جوری است؛ اینها هم مثل ساواکیهایند. ای آقایان روحانیون! مبادا از روحانیون ...، حالائی که یک قدرتی پیدا شده است، یک چند نفر تفنگدار دور خودشان جمع کنند و یک کاری بکنند که اسلام را لکه دار بکنند. امروز اگر از یک روحانی مطلبی صادر بشود که بر خلاف موازین باشد، آنهائی که باید ما را لکه دار کنند می‌گویند این هم آخوندها، الآن دیکتاتوری کفش و عمامه! بهانه دست مردم ندهید. اسلام دیکتاتوری نیست. آنکه دیکتاتور است مسْلم نیست. روحانیت دیکتاتور نیست. آنکه دیکتاتور است روحانی نیست. لکن قلمها برداشته می‌شود و نوشته می‌شود که اینها همانها هستند؛ آن وقت ساواک بود، حالا پاسدار هست. نکند خدای نخواسته یکوقت یک [عملی] از شما صادر بشود؛ از ما صادر بشود؛ از روحانیون صادر بشود؛ از کمیته‌ها صادر بشود. اینها همه الآن اجزای مملکت اسلام است. ما ادعا داریم که یک مملکت اسلامی حالا داریم. الآن اینهائی که به اسم دادگاه اسلام و کمیته اسلام- عرض می‌کنم- پاسداران اسلام و روحانیین اسلام [هستند]، الآن دیگر آن طور نیست که مثل رژیم سابق باشد که اگر شما یک کاری می‌کردید به شما نسبت بدهند؛ اگر من یک کاری می‌کردم به من نسبت بدهند. الآن یک وضعی ما داریم که اگر خدای نخواسته یک قدم کجی برداریم، این را به اسم اسلام تمام می‌کنند».

«در این وقتی که آن رژیم طاغوتی رفته است، وحالا- ماادعا می‌کنیم- یک رژیم اسلامی و انسانی هست، یکوقتی طوری نشود که کمیته‌ها در سرتاسر کشور، عرض بکنم پاسدارها در سرتاسر کشور، سایر قشرها در سرتاسر کشور، خودشان را آزاد بدانند که هر کاری می‌خواهند بکنند؛ آزاد بدانند که هر جور می‌خواهند رفتار بکنند. این است که اگر چنانچه کمیته‌ها روی موازین اسلامی عمل نکنند، اگر روحانیون، که در رأس جامعه هستند روی موازین [و] مقررات به طور دقت عمل نکنند، اگر دولت به طور دقت عمل نکند، اگر ارتش به طور دقت عمل نکند و اعمالشان را تطبیق ندهند با اسلام، یک صورت قبیحی از اسلام در خارج منعکس می‌شود؛ ...

اگر دو تا حبسی بر خلاف مقررات اسلام با آنان عمل بشود کافی است که بگویند حبس اسلام هم مثل حبس ساواک می‌ماند!

... کوشش کنیم وجهه اسلام و صورت اسلام را آن طور که هست نمایش بدهیم؛ نه آن طوری که خلفائی مثل معاویه و یزید وبعضی، یا بسیاری از خلفای اموی وبنی عباس جلوه می‌دادند. به عنوان اینکه ما نماینده اسلام هستیم کارهائی می‌کردند که با اسلام مخالف بود؛ و اسباب این می‌شد که یکوقت وجهه اسلام را در دنیا دگرگون کنند.

الآن ما در یک امتحان بزرگ واقع هستیم. الآن خدا ما را امتحان می‌کند که آیا ما در این وقتی که یک مطلبی دستمان آمده، یک قدرتی دستمان آمده است، آیا ما چه می‌کنیم؟ ما هم همان هستیم به صورت دیگر؟ یا خیر، ما روی مقررات عمل می‌کنیم؟

... اگر بنا شد که مثلاً در قشر معممین، خدای نخواسته، در قشر علما، خدای نخواسته، یک مطلب خلافی واقع بشود، دو تا مطلب خلاف واقع بشود، مردم می‌گویند که خوب، اینها نمایندگان اسلام هستند، ... اگر یک همچو کاری به دست ماها واقع بشود، جرم می‌است که بخشودنی نیست؛ پیش خدای تبارک و تعالی بخشودنی نیست. این مثل سایر گناهها نیست. این یک گناه بزرگی است که اسلام را ما در خطر انداختیم؛ اسلام را بر خلاف آن چیزی که هست نمایش دادیم.

و لهذا من از همه، از همه کمیته‌ها، از همه پاسدارها، از همه معممین، از همه اهل منبر، از همه اهل محراب، از همه مسلمانها، عاجزانه، با کمال عجز و تواضع، استدعا می‌کنم که این اسلامی که الآن به دست شما افتاده است وارونه نشانش ندهید...

با کمال دقت توجه کنید که یک قدم خلاف اسلام نباشد، یک قدم. با کمال دقت ملاحظه کنید که کمیته‌هائی که در تحت کفالت شماست اشخاصی توی آن نباشند که خلاف اسلام عمل می‌کنند. با کمال دقت ملاحظه کنید کسانی که به عنوان اسلام، به عنوان مسلمین، به عنوان چه، معممین کذا، اینها یک قدم خلاف برندارند که خدای نخواسته چهره اسلام را بر خلاف آن طوری که هست قبیح نشان بدهند. این در نظر من از همه چیزها اهمیتش بیشتر است و مسئولیتش هم بیشتر.

...این مسأله مهم است. و آقایان توجه کنند همه و همه ملت موظفند که نظارت کنند بر این امور. نظارت کنند اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن. مسأله، مسئله مهم است. همه ملت موظفند به اینکه نظارت داشته باشند در همه کارهائی که الآن مربوط به اسلام است. اگر دیدند که یک کمیته خدای نخواسته بر خلاف مقررات اسلام دارد عمل می‌کند، بازاری باید اعتراض کند؛ عرض بکنم که کشاورز باید اعتراض کند؛ معممین و علما باید اعتراض کنند. اعتراض کنند تا این کج را راست کنند. اگر دیدند یک معمم بر خلاف موازین اسلام، خدای نخواسته، می‌خواهد عمل بکند، همه موظفند که جلویش را بگیرند...

الآن وقت این است که همه اینها مواظبت کنند خودشان [را]. مواظبت کنند در اینکه یک قدم کج نگذارند؛ و اسلام را حفظ کنند. صورت اسلام را آن طوری که هست نشان بدهند. و اگر خدای نخواسته یک کسی پیدا شد که یک کار خلاف کرد، اعتراض کنند مردم؛ مردم همه به او اعتراض کنند که آقا چرا این کار را می‌کنی...(+صوت) اگر ما بخواهیم اسلام را حفظ کنیم و این طوری که بخواهیم یک نمونه در عالم نشان بدهیم، ایران را بگوییم یک نمونه است، یک الگو هست، با رفتن شاه درست نمی‌شود؛ با رفتن ظالمها درست نمی‌شود. اگر بنا شد که ظالمها رفتند و ما یک دسته دیگر جایشان نشستیم، همان کارها را به اندازه‌ای که قدرت داریم بکنیم، ما هم همان هستیم؛ ما هم همان رژیم هستیم؛ ما هم همان ظالم هستیم. این یک مطلبی است که باید همه بدانند و همه ملت باید بدانند. و در رأس آنها این است که روحانیون و کسانی که مرجع امور ند در همه جاها، دولت اسلامی- عرض بکنم که- ارتش اسلامی، همه قوای انتظامیه‌ای که حالا همه می‌گویند ما اسلامی هستیم و از طاغوت بیرون آمدیم و به اسلام گرایش پیدا کردیم، مجرد لفظ فایده ندارد؛ باید محتوا داشته باشد....

حالا که می‌گوییم جمهوری اسلامی هست و حالا که می‌گوییم مملکت اسلامی است و حالا که می‌خواهیم عرضه کنیم به خارج که این ایران الگو باشد از برای سایر جاها، یکوقت جوری نباشد که یک الگوئی باشد، الگوی شیطانی باشد؛ و ما غفلت از آن بکنیم. باید یک الگوی اسلامی باشد و این وظیفه بر عهده همه ماست».

صحیفه امام؛ ج ۸، ص: ۳-۸

«لشکر ما هم باید این طور باشد. باید این طور باشد بین خودشان، یعنی خودشان و ملت، ملت را عائله خودشان حساب بکنند؛ همان طوری که با فرزند خودشان رفتار، با برادر خودشان رفتار می‌کنند، با مردم هم این جور باشند؛ در مقابل، وقتی که اجنبی، غیر مسلمین، که حمله‌ای به شما کردند، اجنبی خواست حمله بکند، آنجا شدید، محکم. این طور نباشد که بین خودتان وقتی ضعفا را گیر بیاورید اذیت کنید، و...».

صحیفه امام؛ ج۸ ص ۱۲۷

«حکومتها خودشان را جدا ندانند از مردم. رؤسا این طور نباشد که بروند هر کس در هر جائی یک ریاستی داشت بخواهد اعمال قدرت بکند؛ اعمال ریاست بکند؛ مردم را پایینتر بداند؛ با مردم رفتاری بکند که رفتار یک مثلاً زورمند خیلی کذا است با دیگران. اسباب این می‌شود که مردم از آن جدا بشوند؛ ... این باید یک سرمشقی باشد برای دولتها، برای ادارات، برای همه جا، که مردم را از خودشان جدا نکنند. مردم از خودشان بدانند. مردم هم آنها را از خود بدانند. اینها را هم مردم از خود بدانند. اگر یک همچو تفاهمی بین دولت و ملت پیدا شد، این دولت متکی به ملت است و سقوط ندارد؛ این دیگر قابل سقوط نیست».

صحیفه امام؛ ج ۸، ص: ۲۳۳

برادرهای من! خواهرهای من! امروز آبروی اسلام بسته به اعمال ماهاست، اعمال شماهاست. امروز آبروی اسلام بسته به اعمال روحانیین است. روحانیین که مربی انسانها هستند، به جای انبیا نشسته اند، مبعوث از طرف انبیا هستند. آبروی اسلام امروز، آبروی اسلام در ایران امروز، بسته به اعمال همه است، و خصوصاً روحانیون. اگر خدای نخواسته از این طایفه یک اشتباهی صادر بشود، یک خطائی صادر بشود، این به پای اسلام تمام می‌شود. متوجه باشید که مسئولیت بزرگ است. همه مسئولیم، همه مسئولید لکن روحانیون بیشتر مسئولند. مبادا یکوقت اعمالی صادر بشود از این طایفه، که همان طور که گفته می‌شود، و اشخاص مغرض گفته‌اند و می‌گویند، که «ما از زیر بار دیکتاتوری رضا خان بیرون آمدیم و زیر بار دیکتاتوری آخوندها واقع شدیم»! آخوند دیکتاتور نیست؛ و دیکتاتور آخوند نیست. اگر رسول اکرم، امیر المؤمنین- سلام الله علیه- خدای نخواسته دیکتاتور بودند، آخوند هم باید دیکتاتور باشد؛ لکن آنها نبودند. آنها هیچ وقت اعمال قدرت را بر غیر موضعش نمی‌کردند؛ ... شغلْ شغل انبیاست، و مسئولیتْ مسئولیت انبیا. و همه و همه مسئول هستیم. همه هستیم که باید با رعایت صحیح رفتار کنیم: کُلُّکُم رَاعٍ. همه باید مراعات حدود را بکنیم. مراعات اموری را که باید بکنیم بکنیم. همه باید بنده خدا باشیم. بنده خدا در احکام: هر چه فرموده است عمل بکنیم؛ نه هر چه خواستیم.... امروز آبروی اسلام بسته به اعمال شما آقایان شما برادرها، شما خواهرها؛ و بالاتر علما؛ برای اینکه علما در رأس هستند.

... اگر ما با آبرومندی شکست بخوریم اهمیتی ندارد. انبیا هم شکست می‌خوردند. اگر نهضت ما خدای نخواسته با آبرومندی از بین برود، آبرو محفوظ است؛ در تاریخ محفوظ خواهد ماند. شکست خوردیم، حضرت امیر هم از معاویه شکست خورد. اما اگر شکست معنوی بخوریم، اگر حالا که اسلام دست ما آمده است، امانت است پیش ما، اگر ما به این امانت خیانت بکنیم، اگر خدای نخواسته از حدود تجاوز بکنیم، این نهضت آلوده می‌شود؛ در خارج گفته می‌شود این هم اسلام! پای اسلام حساب می‌کنند. نمی‌دانند که اسلام این نیست.

اگر ما خطا بکنیم، ما خطاکاریم نه اسلام. کاری نکنید و کاری نکنند و علما کاری نکنند و بزرگان قوم کاری نکنند و متفکران کاری نکنند که اسلام لکه دار بشود، که مکتب لکه دار بشود. ما خودمان از بین برویم اشکالی ندارد؛ نهضتمان هم از بین برود اشکالی ندارد؛ لکن اگر خدای نخواسته مکتبمان از بین برود، مکتب که مکتب توحید است، مکتب اسلام است، مکتب خداست؛ اگر ما کاری بکنیم که این مکتب لکه دار بشود، در دنیا بگویند که وقتی که کار به دست خود مردم افتاد، وقتی کار به دست پاسداران اسلام افتاد، گفتند ما پاسداران اسلامیم، اگر کار به دست علمای اسلام افتاد، گفتند ما علمای اسلام هستیم، ما جانشین انبیا هستیم؛ اگر یکوقت خطا واقع بشود، این مسأله از این خطاهای کوچک نیست.

برادرها! از پاسداری خوب پاسداری کنید. لشکر اسلام باشید. پاسدار اسلام و قرآن باشید. پاسداری از اسلام بکنید. .... هر که قدرت دستش است هر کاری می‌خواهد نباید بکند. موازین دارد، میزان دارد مطلب. کشتن یک مسلمان میزان دارد. بیخود است مگر! کشتن یک بشر میزان دارد؛ بی میزان نمی‌شود کسی را کشت».

صحیفه امام؛ ج ۸، ص: ۲۵۹

نکته جالب اینکه امام خمینی، درگرو بودن حفظ اسلام به رعایت عدالت و تفاهم با مردم را صرفا برای دفع تبلیغات دشمنان نمی‌داند، بلکه آنرا یک وظیفه اخلاقی مهم الهی دانسته و در ادامه مطلب بالا می‌فرماید:

«این راجع به دشمنهای ما. و اما اولیای خدا و خدای تبارک و تعالی مراقب ما هستند. ما «رقیب» داریم. خدای تبارک و تعالی رقیب ما هست. «ملائکه الله» رقیب ما هستند. یعنی پاسداری از ما می‌کنند. مبادا یکوقتی نامه عمل شما برود پیش امام زمان - سلام الله علیه- و آنجا گفته بشود به امام زمان که این هم پاسدارهای شما! و ایشان سرشکسته بشود.

آقا مسأله مهم است. قضیه، قضیه کشت و کشتار نیست. قیام و نهضت ما، نهضت یک رژیم طاغوتی نیست. قیام و نهضت ما یک نهضت انسانی است؛ یک نهضت اسلامی است. ما به کتاب و سنت می‌خواهیم عمل بکنیم. شما به کتاب و سنت باید عمل بکنید. اگر یکوقت نامه عمل یک روحانی را بردند و [به] امام زمان- سلام الله علیه- دادند و آن ملائکه اللهی که بردند دادند گفتند که این هم روحانی شماست، اینها هم پاسداران اسلام شما، و امام زمان خجالت بکشد، «نعوذ ب الله» ! امروز روزی است که باید حفظ کنید شما اسلام را؛ اسلام را باید حفظ کنید.»

« ما الآن سر یک دوراهی واقع شده ایم که ممکن است با دست ما اسلام آن چهره زیبائی که دارد، در پیش کشورهای خارجی یا دشمنهای داخلی، آن چهره اش به طور دیگری نمایش پیدا بکند، که مکتب ما شکست بخورد. ...

خوف این است که اگر چنانچه در اعمال ما یک نحوی مشاهده بشود که بر خلاف آنی است که ما ادعا می‌کنیم، دشمنهای ما پای ما حساب نکنند، پای اسلام حساب کنند بگویند پاسدارهای اسلامی، ملّاهای اسلام، نظامی اسلامی، این طور عمل می‌کنند. پی بهانه هستند آنها که یک خلاف ببینند و آن خلاف را عَلَم کنند، با اضافاتی صد چندان؛ و به خیال خودشان ما را معرفی کنند در جوامع به اینکه جمهوری اسلامی که اینها می‌گفتند این طور بود

... چنانچه ما امروز یک کاری بکنیم که گفته بشود که آن وقت رژیم سلطنتی بود و این کارها را می‌کرد، حالا هم که جمهوری اسلامی است و اسلام است و دم از قرآن می‌زنند و دم از اسلام می‌زنند و دم از ایمان می‌زنند، حالا هم همان است. منتها لفظش فرق کرده است؛ معنا همان معناست. الفاظ تغییر کرده است، به جای رژیم سلطنتی رژیم جمهوری گفته شده است، لکن عمل همان عمل است و برنامه همان برنامه. این یک مسئولیت بزرگی است گردن من و آقا، گردن آقا و شماها هم هست، و گردن همه ملت».

صحیفه امام؛ صفحات ۱۰۶ تا ۱۱۲

❁❁ دیدگاه امام خمینی درباره رذایل اخلاقی نظیر دروغ، غیبت و تهمت

دهها صفحه از کتابهای اخلاقی و فقهی امام به بیان اهمیت نقش بنیادین اخلاق و وجوب اجتناب از رذایل اخلاقی اختصاص دارد. نمونه‌هائی از آن:

« سؤال- امام مهربان من می‌دانم که دروغ، سرآمد گناهان است اما آیا می‌شود گاهی بنا به مصلحت دروغ گفت یا خیر؟ و آیا دروغ مصلحت آمیز گناه است یا خیر؟

جواب - دروغ از گناهان کبیره است و مصلحت اندیشی موجب رفع حرمت نمی‌شود. بلی مواردی استثناء شده که در کتب مفصله مذکور است». -

استفتائات، ج ۲، ص: ۶۱۷

«سؤال - آیا اهانت نسبت به اسرا جایز است یا خیر؟

جواب - اهانت جائز نیست بلکه نسبت به آنان باید اخلاق اسلامی را مراعات نمود».

استفتائات، ج ۱، ص: ۵۱۳

امام خمینی در تحریر الوسیله درباره نهی از منکر به صراحت نوشته است :

«جایز نیست که انکار را با حرام و منکر همراه نماید، مانند ناسزا و دروغ و اهانت».

تحریر الوسیله (فارسی)، ج ۱، ص: ۵۴۳

ایشان در ادامه، موارد استثناء را صرفا منحصر به جائی می‌داند که پیشگیری از قتل انسانی بی گناه و یا جلوگیری از وقوع جنایات و کبائر هلاک کننده متوقف بر آن باشد.

نظیر همین فتوا در توضیح المسائل امام خمینی بیان شده است:

«مسأله ۲۸۱۶- جایز نیست برای جلوگیری از معصیت، ارتکاب معصیت مثل فحش و دروغ و اهانت...»

« تأثیر موعظه حسنه در نفوس بسیار زیادتر است از عیبجوئی و بدگویی؛ و ممکن است قلمها و زبانهای عیبجو در بعضی از نفوس عصیان بیاورد و به جای اثر مثبت و نیکو اثر منفی و بد به جا گذارد و به جای اصلاح، موجب افساد شود. ».

صحیفه امام؛ ج۱۴ ص ۲۱۷

«اگر، خدای نخواسته، خواستید به کسی جسارت کنید، اهانت نمایید، مرتکب غیبت شوید، بدانید که در محضر ربوبی هستید؛ مهمان خدای متعال می‌باشید، و در حضور حق تعالی به بندگان او اسائه ادب می‌کنید؛ و اهانت به بنده خدا اهانت به خداست. اینان بندگان خدا هستند؛ خصوصا اگر اهل علم بوده در صراط علم و تقوی باشند».

جهاد اکبر، ص ۴۲

امام خمینی در کتاب مکاسب محرمه برخلاف نظر برخی فقیهان که غیبت فرد متجاهر به فسق {کسی که در انظار عمومی با ارتکاب به فسق و جنایت خودنمائی می‌کند} را در همه جا و در همه رفتارهای ناشایست او- ولو در انظار نبوده باشد - مجاز دانسته اند، قائل به انحصار جواز غیبت در همان مورد و در همان محلی است که فاسق آنرا در انظار و متجاهرا انجام داده است.

المکاسب المحرمه،

ج ۱، ص: ۴۲۲ - ۴۲۵

این فتوای توأم با کمال احتیاط حضرت امام آنهم در مورد فرد متجاهر به فسق و یا مصرّ بر فسق کجا و این بهتان بی.بی.سی که گفته است سراندیشه او: حفظ اسلام به هرقیمتی ولو به تهمت و دروغ و غیبت و ارتکاب هر اقدام ضد اخلاقی می‌باشد، کجا؟

امام خمینی در همین باب غیبت و هتک سرّ مردم می‌فرماید:

«مسافر طریق آخرت، مطالعه در عیوب و عورات خودْ او را از عیوب دیگران مشغول می‌کند، و تجسس اموری که به حال او فایده ندارد یا ضرر دارد نمی‌کند، و عمل خود را رأس المال تجارت دیگران قرار نمی‌دهد به واسطه غیبت و هتک ستر؛ و از عیوب و ذنوب خود هیچ گاه نسیان نمی‌کند؛ که نسیانِ گناهان از بزرگترین عقوبات حقّ است در دنیا که انسان را از جبران آنها باز می‌دارد، و از بزرگترین اسباب عقاب است در آخرت».

سر الصلاه (معراج السالکین و صلاه العارفین)، متن، ص: ۵۴

«اگر به سبب اعمال و کردار و رفتار ناروای شما یک نفر گمراه شده، از اسلام برگردد، مرتکب اعظم کبایر می‌باشید؛ و مشکل است توبه شما قبول گردد». -

جهاد اکبر ص ۱۲

«ما و شما و همه اهل دنیا همه برادران ایرانی ما در معرض امتحان هستیم. یعنی مکلفی نیست در عالم که تحت آزمایش خدا و امتحان او نباشد. ما امروز درباره خودمان و مسئولین کشور خودمان و ملت محترم خودمان عرض می‌کنیم، هر کس در هر مقامی که هست و هر مسئولیتی که دارد همان مقام و همان مسئولیت امتحان اوست. ...

انبیا هم مورد آزمایش اند. یعنی هر کس در این دنیا پا گذاشت و مکلف بود به تکلیفی، این آزمایش می‌شود و گمان نکند که من این کار را که می‌کنم کسی نمی‌بیند. این کاری که می‌کنید خود این کار منعکس می‌شود. خدای تبارک و تعالی در محضرش واقع می‌شود. ملائکه الله موکل هستند بر این فرد. ... ببینیم که باید چه کار بکنیم که این مسئولیتی که به عهده ماست به طوری انجام بدهیم که فردا پیش خدای تبارک و تعالی و پیش انبیای خدا خجلت زده نباشیم و آبرومند باشیم. آن این است که هر کس در هر کاری مشغول است او را خوب انجام بدهد. فرض کنید خدای نخواسته، همه افراد کشور خلاف می‌کنند، شما یک نفر کار خوب بکن».

صحیفه امام؛ ج۱۸ ص ۳۰۷ - ۳۱۰

«رفق و مدارا و مصاحبت و رفاقت، از جَلِواتِ رحمت رحمانیّه و شئونِ آن است. قلبی که در آن جلوه رحمت افتاده باشد و به بندگان خدا با نظر رحمت و عطوفت بنگرد، البته چنین قلبی در تمام شئون و مراحلی که مذکور شد در فصل سابق، با رفق و مدارا رفتار می‌کند در معاشرت با نوع خود؛ بلکه در سلوک با غیر نوع خود از حیوانات- که در تحت اداره او هستند و او در آنها تصرّف دارد-، و در خِدام و عبید و عشرت با آنها، و در سلوک با ارحام و همسایگان خصوصاً، و بالجمله، با تمام اصناف مردم، معاشرت با رفق و رحمت و عطوفت و رفاقت کند».

شرح حدیث جنود عقل و جهل؛ متن، ص: ۳۱۹

«آن قلبی که آلوده به بغض و عداوت با بندگان خدا باشد، و با عنف و خرق با آنها رفتار کند، از فطرت الهیه خارج، و به واسطه آلودگی به دنیا و زخارف آن و آلودگی به حبّ نفس و خودخواهی و خودپسندی، از اصل فطرت محتجب شده است».

شرح حدیث جنود عقل و جهل؛ متن، ص: ۳۲۰

«گیرم در این عالم که کشف سرایر نمی‌شود، بتوان به بندگان خدا تدلیل و تکبّر کرد و با آنها با تحقیر و توهین رفتار کرد، آیا می‌توان در قبر و قیامت هم باز با همین پای چوبین رفت و از صراط هم می‌توان با این پای چوبین گذشت؟» -

شرح حدیث جنود عقل و جهل؛ ص ۳۴۲

«آری، با اخلاق ناهنجار و صفات ذمیمه، حق نیز از میان می‌رود. و اگر عالِمْ جبّار و متکبّر شد، خاصیت علمش باطل می‌شود، و این بزرگتر خیانت است به علم و معارف که مردم را از حق و حقیقت منصرف می‌کند. و چون عالم، به وظیفه علم- که اخلاق حسنه است- رفتار نکرد، دین و علم از نظر مردم می‌افتد»

شرح حدیث جنود عقل و جهل؛ متن، ص: ۳۵۰

«یکی از فرقهای بین دولتهای غیر اسلامی- دولتهای طاغوتی- دولت اسلامی این است و باید هم این باشد که در دولتهای اسلامی محیط محیط محبت است، محیط برادری است....

در حکومت عدل، هر کسی از خودش باید بترسد. [که] مبادا تخلف کند و الّا از سرباز مملکت عدل، از ارتش مملکت عدل، از شهربانی مملکت عدل، هیچ ترسی نیست؛ برای اینکه اینها همه با محبت با مردم رفتار می‌کنند.

... در محیط اسلام و مملکت اسلامی رعب نیست، و در محیط طاغوتی رعب است؛ ....

این محیط محبت را حفظ کنید. ایران را یک محیط محبت کنید- به دست شما- شما پاسدارها، شما ارتش، آن ژاندارمری، این پاسبان، همه و همه. اگر همه با هم یک وضع اسلامی- انسانی پیدا بکنیم، محیطْ یک محیطِ محبت می‌شود؛ همه به هم خدمتگزار می‌شوند».

صحیفه امام؛ ج ۶، ص: ۴۴۰

این جانب از نسل جوان اهل علم و منبری تقاضا دارم به طبقه بزرگان و علما احترام شایسته نمایند، و از حضرات اعلام تقاضا دارم که با نسل جوان با مهر و عطوفت رفتار فرمایند.

صحیفه امام؛ ج۲ ص۳۹۸

«همه با هم با انصاف رفتار کنند، با انسانیت رفتار بکنند، با رحم و مروت رفتار بکنند و نگذارند این نهضت خاموش بشود».

صحیفه امام؛ ج۶ ص۴۹۸

«من باز هم به آقایان عرض می‌کنم که توجه بکنید که مقام، شما را نگیرد. ارزش انسانی انسان به مقام نیست، به این نیست که من نخست وزیرم، من رئیس جمهورم، من رئیس مجلسم، من وکیل مجلسم؛ اینها ارزش نیست. ارزش انسان به این است که توجه بکند که چه باید در مقابل خدای تبارک و بندگان خدای تبارک و تعالی بکند، چه تکلیفی انسان دارد در مقابل خدا و در مقابل بندگان خدا که از خدا هستند؛ این ارزش است. مادامی که شما این ارزش را حفظ بکنید، ارزش اسلامی و انسانی را حفظ کرده اید».

«تجربه کنید ببینید که آیا با محبت با مردم رفتار کنید دلتان آرامتر است، یا خدای نخواسته با شدت؟ با شدت ناراحتی می‌آورد. اگر با مردم با دوستی رفتار کنید، دلتان آرام است».

صحیفه امام؛ ج۷ ص۲۳۷

«این وظیفه شرعی نیست که کسی نسبت به مسلمانی اهانت کند؛ از برادر دینی بدگوئی نماید. این حب دنیا و حب نفس است؛ این تلقینات شیطان است که انسان را به این روز سیاه می‌نشاند؛ این تخاصم تخاصم اهل نار است ... اهل آخرت با هم در صلح و صفا هستند؛ قلبهایشان مملو از محبت خدا و بندگان خداست. محبت به خدا موجب محبت به کسانی است که به خدا ایمان دارند؛ محبت بندگان خدا همان ظل محبت خداوند است؛ سایه محبت اللّه می‌باشد».

جهاد اکبر، ص: ۳۱

«تذکر می‌دهم که اهانت به هر مسلمانی چه عضو حزب باشد یا نه بر خلاف اسلام و تفرقه اندازی در این موقع از بزرگترین گناهان است».

صحیفه امام؛ ج ۲۰ ص ۲۷۶

«من آنچه نصیحت است به عموم کرده ام، و هر گز راضی نیستم توهین به احدی را».

صحیفه امام؛ ج ۳، ص: ۴۴۴

❁❁ کلام آخر

و آخرین فراز در این باب، همان پیام امام است که فرمود:

«باید همه بدانیم که پس از استقرار حاکمیت اسلام و ثبات و قدرت نظام جمهوری اسلامی با تأیید و عنایات خداوند قادر کریم و توجه حضرت خاتم الاوصیا و بقیه الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - و پشتیبانی بی نظیر ملت متعهد ارجمند از نظام و حکومت، قابل قبول و تحمل نیست که به اسم انقلاب و انقلابی بودن خدای نخواسته به کسی ظلم شود، و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق کریم اسلامی از اشخاص بی توجه به معنویات صادر شود.»